خبر

اهدای سیمرغ‌ها و تندیس‌های ملاقلی‌پور به موزه سینما

به‌مناسبت زادروز زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور، تعدادی از سیمرغ‌ها، تندیس‌ها و جوایز این کارگردان فقید توسط علی ملاقی‌پور فرزندش به موزه سینمای ایران اهدا شد.
تندیس‌ها و جوایز به این شرح است: سیمرغ هفدهمین جشنواره فیلم فجر برای کارگردانی فیلم «هیوا»، تندیس چهاردهمین جشنواره فیلم فجر در بخش دفاع‌مقدس برای فیلم «سفر به چزابه»، تندیس دهمین جشنواره فیلم دفاع‌مقدس برای «مزرعه پدری»، تندیس بهترین کارگردانی نهمین جشنواره فیلم دفاع‌مقدس برای «قارچ سمی»، تندیس حافظ برای فیلم «سفر به چزابه»، تندیس حافظ برای تلاش در تجربه الگوی ملودرام برای نخستین‌بار در «میم مثل مادر»، تندیس افتخاری یازدهمین جشن خانه سینما، تندیس افتخاری نکوداشت جشنواره فیلم شهر برای یک عمر فعالیت هنری، تندیس بهترین فیلمنامه ششمین جشنواره فیلم دفاع‌مقدس برای فیلم سفر به چزابه، جایزه سوم انجمن منتقدان سینمایی کشور برای فیلم «پناهنده»، تندیس اولین دوره جشنواره فیلم دفاع‌مقدس برای فیلم «نینوا»، تندیس افتخاری جشنواره فیلم شهر و عینک آفتابی‌ای که زنده‌یاد ملاقلی‌پور در زمان ساخت فیلم پناهنده تا میم مثل مادر از آن استفاده می‌کرد. / روابط عمومی موزه سینما

بازگشت به اختلال اختیارات!

به جای شورای عالی، شورای سینما تشکیل می‌شود

آرش شفاعی
دبیر گروه فرهنگ و هنر

رئیس سازمان سینمایی کشور از تشکیل دوباره شورای سینما به مناسبت روز ملی سینما در هفته جاری سخن گفته است. لحن پیروزمندانه و امیدبخش محمد خزاعی در اعلام این خبر به‌عنوان یک گشایش بزرگ درآینده سینما، با واقعیت موجود و سابقه‌ای که برای راه‌اندازی این شورا در ذهن داریم، متفاوت است. تشکیل شورای سینما به جای شورای‌عالی سینما یک بازگشت به عقب واضح و برخلاف وعده‌های وزیر ارشاد در ابتدای تصدی مسئولیت خود است. جایگاه شورای‌عالی برای سینما می‌توانست این موقعیت را ایجاد کند که دولت با اتخاذ تصمیماتی در سطح سیاست‌گذار در تسریع روندبهینه سازی فرآیندهای نرم افزاری وسخت افزاری دررفع مشکلات سینما ورود جدی و موثری داشته باشد اما این رویه در دور جدید احیای شورای سینما به سطح هماهنگی تقلیل یافته است.

در این گزارش درباره چگونگی تشکیل این شورا، سابقه و اهدافی که قرار بود شورای‌عالی سینما محقق کند، نوشته و بررسی کرده‌ایم که گره اصلی برسر تشکیل این شورای‌عالی و حتی شورای غیرعالی در دولت‌های مختلف چه بوده است؟

پیشینه تشکیل «شورای‌عالی صنعت سینما» به دولت هفتم می‌رسد. در آن زمان قرار بود چنین شورایی در سطح وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شکل بگیرد اما این پیشنهاد در دولت دهم به تشکیل اولین «شورای‌عالی سینما» منجر شد. با ارتقای سطح شورا، با ترکیب رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان نایب‌رئیس و رئیس کمیسیون فرهنگی هیأت دولت، رئیس سازمان صداوسیما، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، نماینده صنوف سینمایی، نماینده تشکل‌های مستقل سینمایی، پنج سینماگر شناخته شده به انتخاب وزیر ارشاد و معاون سینمایی وزیر به‌عنوان دبیر تشکیل شد.
برخی از اهدافی که برای شورای‌عالی سینما ذکر شده شامل موارد ذیل بود: اعمال سیاست‌های واحد در حوزه سینما، مدیریت واحد و متمرکز تمامی منابع و امکانات ملی، تقویت مؤلفه‌های سینمای ملی، رونق اقتصاد سینما و توانمندسازی بخش غیردولتی فعال در حوزه سینما، پیشرفت متوازن زیرساخت‌های سینمای ایران، حمایت و هدایت سینمای ایران گسترش، تنظیم و ساماندهی بازار فیلم و افزایش کمی و ارتقای کیفی تولیدات سینمای ایران و شناسایی و پرورش استعدادهای جدید. مطابق ماده۳ این آیین‌نامه وظایف مختلفی برای شورای‌عالی سینما در نظر گرفته شده بود اما مهم‌ترین آنها «تصویب سیاست‌های کلان سینمای ایران» بود. به این ترتیب این شورا با شأن و راهبرد سیاست‌گذاری شکل گرفت اما در عمل تنها سه جلسه شورای‌عالی برگزار شد که رئیس‌جمهور وقت به‌عنوان رئیس شورای‌عالی سینما در دو جلسه آن شرکت کرد و بقیه جلسات بدون حضور وی در سطح شورای تخصصی برگزار شد.

ایراداتی که هیچ وقت مرتفع نشد

اما در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۹۰ رئیس مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای اعلام کرد که به موجب قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۱۳۶۵ تمامی فعالیت‌های مربوط به حوزه سینما، از جمله وظایف و اختیارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان مسئول اجرای سیاست‌های رسمی نظام در زمینه‌های فرهنگ عمومی است و چون عبارت مندرج در صدر مصوبه، متضمن تجویز واگذاری تکالیف راجع به «بررسی مسائل مربوط به سینما و هماهنگی دستگاه‌های مربوط» به «شورای‌عالی سینما»، چون از حیث اطلاق، مخل با وظایف و اختیارات قانونی دستگاه اجرایی ذی‌ربط است، مغایر با قانون محسوب می‌شود. همچنین به موجب این نامه دو مصوبه شورای‌عالی سینما از حیث مخل بودن با وظایف قانونی وزارت ارشاد مغایر با قانون تشخیص داده شد و به‌این ترتیب، موجودیت شورای‌عالی سینما و مصوبات آن مورد سؤال جدی قرار گرفت اما واکنشی از سوی دولت دهم در یک هفته تعیین شده بروز نکرد تا آن‌که در دولت یازدهم و برگزاری چند جلسه و در سال ۱۳۹۵ به‌صورت رسمی منحل اعلام شد.
طبق مصوبه هیأت‌وزیران در سال ۱۳۸۹ رئیس‌جمهور رئیس شورای‌عالی سینما تعیین شده بود اما به عللی چون اولویت نداشتن مسائل سینما در میان مسائل کلان کشور و از همه مهم‌تر مشغله‌های مربوط به مسائل سیاست خارجی، رؤسای جمهور خود را از حضور در شورا کنار کشیدند و آن را به وزیر (نایب‌رئیس) سپردند که البته وزارتخانه هم یا توان پیشبرد آن را نداشت یا بنا به ملاحظات خاصی از تداوم آن سرباز زد. پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم، در آبان ۱۴۰۰ وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی از راه‌اندازی دوباره شورای‌عالی سینما با حضور رئیس‌جمهور خبر داد ولی عملا این وعده وزیر محقق نشد و دولت در اسفند ۱۴۰۰ «تشکیل شورای سینما» را تصویب و این مصوبه در یازدهم اسفند پارسال از سوی معاون اول رئیس‌جمهور ابلاغ شد.

> **یکی از مهم‌ترین معضلی که به نظر می‌رسد شورای سینما به آن مبتلا شود، همان ایرادی است که بر شورای‌عالی سینما وارد شده بود و آن این‌که، تشکیل شورای سینما مغایر قانون صلاحیت‌های وزارت ارشاد است**

در این مصوبه در راستای گسترش فناوری نرم و به منظور هم‌افزایی و تقویت ارتباط میان بخش‌های مختلف و افزایش هماهنگی و همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و فنی دستگاه‌های اجرایی و نهادهای ذی‌ربط با بخش غیردولتی و ارتقای سطح کمی و کیفی محصولات، تولید و عرضه آثار سینمایی شاخص با عضویت معاون اول رئیس‌جمهور (رئیس)، وزیر ارشاد (نایب‌رئیس)، دو نفر از وزرا به انتخاب معاون اول رئیس‌جمهور، دبیر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، رئیس سازمان صداوسیما، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، مدیر حوزه‌های علمیه، رئیس یکی از دانشگاه‌های دولتی هنر به انتخاب وزیر، هفت نفر از سینماگران و نمایندگان اصناف و تشکل‌های حوزه سینما با زهم به انتخاب وزیر که حداقل دو نفر از آنها از بانوان خواهد بود و رئیس سازمان سینمایی (دبیر) تشکیل خواهد شد.
در بیان وظایف شورای سینما برخلاف آیین‌نامه شورای‌عالی سینما از سیاست‌گذاری دست کشیده و به تعیین راهبردهای سینمایی کشور؛ تعیین سازوکارهای لازم برای اعمال مدیریت هماهنگ در عرصه سینما و حمایت از تولید آثار سینمایی ارزشمند، توسعه زیرساخت سینمای کشور و مانند آن اشاره شده است. در حقیقت دولت با تصویب این آیین‌نامه که ابلاغ مصوبات و تصمیمات شورا را با امضای معاون اول رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا کرده است، عملا از شورای‌عالی به‌عنوان نهادی برای تصمیم‌گیری‌های بین بخشی و سیاست‌گذاری کلان دست کشیده است. به این ترتیب اشکال قانونی وارد شده به آیین‌نامه مصوب سال ۱۳۹۰ به این‌که این شورا در جایگاه سیاست‌گذاری قرار گرفته و با نقش و وظایف قانونی وزارت ارشاد در تضاد است، در دولت‌های دهم و یازدهم رفع نشد و دولت سیزدهم هم از این جایگاه صرف نظر کرد.
از سوی دیگر پس از تشکیل شورا، صرفا موضوع‌هایی همچون امنیت شغلی، مالیات، بیمه، مسکن و مسائل رفاهی هنرمندان و مباحث سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مطرح شد و تا پایان دولت دهم به غیر از تشکیل سازمان سینمایی تقریبا هیچ یک از مصوبات به مرحله اجرایی نرسید. دلیل اصلی این امر در اغلب موارد، این بود که این مصوبات هزینه‌هایی را برای سایر دستگاه‌ها و نظام بودجه‌ریزی کشور ایجاد می‌کرد که آنها زیر بار نمی‌رفتند. این در حالی بود که تشکیل این شورای‌عالی، عملا به معنای ایجاد ساختارهای موازی در کنار ساختارهای تصمیم‌ساز موجود، مانند شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و فرهنگستان هنر و دستگاه‌های فرهنگی خارج از دولت محسوب می‌شد اما در کنار این عوامل باید به عدم همراهی اغلب سینماگران با شورای‌عالی یاد شده بعد از مشاهده بی‌عملی و بی‌نتیجه بودن تبلیغات برای راه‌اندازی آن نیز اشاره کرد.
یکی از مهم‌ترین معضلی که به نظر می‌رسد شورای سینما به آن مبتلا شود، همان ایرادی است که بر شورای‌عالی سینما وارد شده بود و آن این‌که، تشکیل شورای سینما با توجه به صلاحیت‌های وزارت ارشاد درخصوص موضوع سینما مندرج در قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مخل وظایف و اختیارات این وزارتخانه است و هرچند آیین‌نامه جدید سعی کرده این ایراد را رفع کند ولی این شورا به‌دلیل این‌که می‌تواند در روند پیشروی وزارتخانه مزبور اختلالی ایجاد کند و همچنین ساختاری را به ساختارهای موجود بیفزاید، مغایر سیاست‌های کلی نظام اداری مبنی بر چابک‌سازی و منطقی ساختن تشکیلات نظام اداری در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. دولت اگر قرار بود خلأ قانونی درخصوص موضوع سینما را رفع کند، باید از ظرفیت قانون اهداف و وظایف وزارت ارشاد استفاده می‌کرد یا طرح یا لایحه‌ای جامع در حوزه سینما تهیه و به مجلس ارائه کند یا اگر می‌خواست صلاحیت قانونی خود را تفویض کند، باید به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی این کار را صرفا از طریق کمیسیونی متشکل از چند وزیر انجام می‌داد.

برش

قانون مشخص سینمایی نداریم

حوزه سینما در کشور ما قانون مشخص و جامعی ندارد و قوانین و مقررات موجود، حوزه محدودی از سینما را پوشش می‌دهند که اغلب نیازمند بازنگری هستند.
همچنین باید وظایف و تکالیف تمام نهادها و دستگاه‌هایی که به نوعی با سینما در ارتباط هستند به صورت مشخص تعیین و تبیین شود. لذا شورای سینما می‌تواند در دوره جدید خود بسیاری از قوانین را با توجه به شرایط روز بازبینی و متون منقح شده و منسجم آنها را به مراجع تصمیم‌گیر مانند مجلس شورای اسلامی ارائه کند یا از طریق شورای‌عالی انقلاب فرهنگی طی یک سند جامع برای سینما شرح وظایف دستگاه‌های مختلف را درخصوص سینما تبیین کند اما مشکل نبود سیاست‌گذاری برای سینمای ایران با تشکیل شورای سینما همچنان باقی خواهد ماند.
در این مسیر تعامل با دیگر نهادهای تاثیرگذار فرهنگی خارج از دولت و حتی اضافه‌شدن اعضایی از این نهادها مانند شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و کمیسیون فرهنگی مجلس می‌تواند به افزایش سطح تصمیم‌گیری‌های بین بخشی در این مسیر کمک کند. با توجه به گستره و اهمیت فعالیت‌های سینمایی، تعامل دولت با شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و جداسازی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برای سینما می‌تواند به‌سرعت بخشی در اتخاذ و پیشبرد تصمیمات و سیاست‌ها کمک بیشتری کند. یکی از مهم‌ترین ایرادهای وارده به بیشتر شوراهای عالی این است که مصوبات آنها ضمانت اجرایی لازم را ندارند و بیشتر در حد شعار باقی می‌مانند. شورای سینما اگر نتواند در این دوره تدابیری را که اتخاذ می‌کند به مرحله اجرا برساند، به احتمال بسیار مسیر شورای قبلی را طی خواهد پیمود از این جهت الزامی است که همزمان با تشکیل این شورا به سازوکارهای اجرایی‌سازی و از آن مهم‌تر به نتیجه رسیدن تدابیر اندیشید. حوزه سینما در ایران یک پدیده چندبعدی است که از یکسو فرهنگ مهم‌ترین مؤلفه آن است و از سوی دیگر اقتصاد موتور محرک و تقویت‌کننده آن به‌حساب می‌آید. سیاست هم ارتباط تنگاتنگی با سینما دارد. فیلمسازان به اجتماع می‌پردازند و آثار خود را با روزمرگی جامعه ایرانی پیوند می‌زنند لذا در ساختار شورای سینما با توجه به کارکرد تصمیم‌گیرانه بودنش باید ارکانی را جهت تصمیم‌سازی با آن همراه کرد. ضمن این‌که شورای سینما باید سازوکارهایی را تعبیه کنند تا ضمن داشتن رویه‌های عمومی شفاف امکان به رهگیری از بازخوردها و حمایت‌ها از ذی‌نفعان، متأثران و مخاطبان از تصمیمات را فراهم آورد.

سینمای جهان

«سرزمین موعود» از چه می‌گوید؟

اشغال فلسطین به روایت وینترباتم

کیکاوس زیاری
گروه فرهنگ و هنر

مایکل وینترباتم، فیلمساز غیرمتعارف و ضد صهیونیستی انگلیسی بعد از سال‌ها بالاخره فرصت و امکان آنرا پیدا می‌کند که پروژه رویایی و موردعلاقه‌اش درباره فلسطین را به صورت فیلم سینمایی جلوی دوربین ببرد. این درام سیاسی و پرتنش که با حال و هوایی دلهره‌آور ساخته می‌شود، با نام «سرزمین موعود» وارد مرحله تولید خواهد شد. سرزمین موعود نامی است که به واسطه آن سردمداران صهیونیسم یهودیان کشورهای مختلف جهان را دعوت به حضور در سرزمین‌هایی کردند که متعلق به فلسطینیان بود و با غصب غیرقانونی آنها کشور اسرائیل را تشکیل دادند.
به گفته وینترباتم داستان فیلم در روزهای پرتنشی رخ می‌دهد که به وقایع سال ۱۹۴۸ و تجزیه فلسطین منجر شد که در پایان به تاسیس کشور غیرقانونی اسرائیل روی نقشه جغرافیایی جهان منتهی شد. با وجود اشتیاق زیاد فیلمساز برای کارگردانی سرزمین موعود، اطلاعی از خط کلی داستان آن و نوع شخصیت‌های حاضر در این داستان نیست. تاکنون تلاش منتقدان و خبرنگاران رسانه‌های گروهی برای دستیابی به داستان فیلم بی نتیجه مانده و از قرار معلوم وینترباتم تا زمانی که فیلمش آماده نمایش عمومی شود، قصد افشاگری درباره داستان را ندارد. همین نکته بر هیجانات مربوط به ساخت فیلم افزوده و این در حالی است که رسانه‌های گروهی اسرائیل از حالا علیه تولید سرزمین موعود موضع‌گیری منفی کرده‌اند.

هرگز عقب‌نشینی نکردم

وینترباتم در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «واقعیت امر این است که من سه تا چهار داستان نوشته‌ام که قرار است برای فیلم مورد استفاده قرار گیرد. این داستان‌ها هم حالت مستقل دارند و هم می‌توانند در ارتباط با یکدیگر قرار گیرند. این داستان‌ها را طی سال‌ها نوشته‌ام و چند بار هم دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته‌اند. همیشه می‌خواستم فیلمی با کیفیت و جذاب درباره تاریخ فلسطین و مبارزاتش برای کسب خانه و سرزمین بسازم و به همین دلیل می‌خواستم داستانم به گونه‌ای باشد که هم مرا و هم تماشاگران و منتقدان جدی را راضی کند. در صنعت سینما همیشه بین خواسته‌های شما و واقعیت موجود در محیط پیرامون تفاوت‌هایی وجود دارد و شما در مقام کارگردان همیشه نمی‌توانید و در موقعیتی نیستید که بتوانید خواسته‌های‌تان را عملی کنید. همواره دلایل مختلف و متعددی وجود دارد که مانع کارتان شده و آن را ناتمام می‌گذارد. خیلی وقت‌ها زمانی که این اتفاق می‌افتد و نمی‌توانید فیلم دلخواهتان را جلوی دوربین ببرید، احساس می‌کنید که دیگر همه چیز تمام شده و باید دور آن فیلم را خط بکشید. همین اتفاق برای «سرزمین موعود» هم رخ داد اما عقب‌نشینی نکردم و هر چند سال یک بار سراغش رفته و بازنویسی‌اش کردم و همیشه امید داشتم که بالاخره یک روز موفق به ساخت آن می‌شوم. هنوز هم میل به ساختش را دارم. همیشه این میل به شکلی قوی در وجودم بود و احساس می‌کردم باید این کار را انجام دهم.»
وینترباتم کار پیش‌تولید سرزمین موعود را در ایتالیا شروع کرده و برای ماه اکتبر کلید فیلمبرداری آن را می‌زند.

/ اسکرین اینترنشنال

چهره

امین حیایی برای «گرگسار» انتخاب شد

«گرگسار» در شاهنامه از پهلوانان تورانی است که در سپاه «ارجاسب» در جنگ با ایرانیان شرکت داشت. پس از گریختن ارجاسب، اسفندیار، گرگسار را اسیر کرده و به شرط آن‌که مسیر رویین‌دژ را به او نشان دهد، جانش را به او می‌بخشد و به این ترتیب داستان هفت‌خان اسفندیار به راهنمایی گرگسار آغاز می‌شود. با این توضیح، این خبر را بخوانید که امین حیایی در موسیقی - نمایش «هفت‌خان اسفندیار» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی حسین پارسایی در نقش گرگسار بازی می‌کند. هفت‌خان اسفندیار برداشتی آزاد از شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی و محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که با مشارکت بنیاد فرهنگی ـ هنری رودکی پاییز سال جاری در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. یوسفعلی میرشکاک به‌عنوان مشاور محتوایی در این پروژه حضور دارد. حیایی برای دو فیلم «شب» (۱۳۸۶) و «برف آخر» (۱۴۰۰) سیمرغ بلورین بهترین بازیگر از جشنواره فیلم فجر را کسب کرده است. / جام جم

نمای نزدیک

مصائب بازیگری که در نقش فرورفت

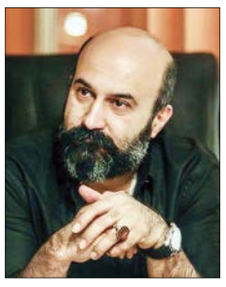

علی جلیلوند، تهیه‌کننده «شب، داخلی، دیوار» در کنفرانس خبری فیلم در جشنواره و نیز درباره روند رسیدن دایان حبیبی به نقش لیلا گفت: دایان مدت یک سال که هشت ماه آن به صورت فشرده بود، برای رسیدن به نقش لیلا زحمت کشید و البته نکته دیگر این‌که او به مدت شش ماه زمان صرف کرد تا دوباره از لیلا به دایان برگردد. به یاد دارم که می‌گفت دیگر توانایی ارتباط برقرار کردن با اعضای خانواده‌ام مثل خواهرم را ندارم. او به لطف خدا، کمک‌تراپی و تلاش‌های خودش توانست دوباره به زندگی برگردد. صادقانه بگویم از این تغییر ما هم ترسیده بودیم که نتواند دوباره به جامعه برگردد.
وی همچنین در پایان این نشست مطبوعاتی، خطاب به بابک غفوری‌آذر، خبرنگار ایرانی رادیو فردا ساکن چک که در بخش ابتدایی نشست سؤالی سیاسی مطرح کرده بود، گفت: آقای غفوری‌آذر، به قول اخوی من، برادر! فکر کنم شما اگر تمرین کنید در جلسه‌های سینمایی در مورد فیلم و سؤالات سینمایی بپرسی؛ منظور من در مورد هر فیلمی است، احتمالا اتفاق بهتری بیفتد. / مهر

دیالوگ ماندگار

«خیلی دور خیلی نزدیک»

سامان: خیلی از ستاره‌هایی که ما الان داریم می‌بینیم، شاید میلیون‌ها سال پیش مردن ولی ما به‌خاطر مسافتی که باهاشون داریم، هنوز داریم اونا رو می‌بینیم.
خانم دکتر: یعنی این قدر دورن؟
سامان: خیلی دور، خیلی نزدیک؛ وقتی با دنیای خودمون مقایسه کنیم، خیلی دورن اما اگه با کهکشان‌های دیگه مقایسه‌شون کنیم، تازه می‌فهمیم چقدر به ما نزدیکن و ما خبر نداشتیم.
اینها بخشی از دیالوگ‌های فیلم «خیلی دور، خیلی نزدیک» محصول سال ۱۳۸۳ به کارگردانی رضا میرکریمی است.